

جریان‌شناسی خواص و نقش آن در نهضت کربلا

یکی از مهمترین و شاید بتوان گفت مهمترین علت نهضت کربلا و به قربانگاه رفتن پاره تن پیامبر خدا، جریان‌شناسی خواص است.



یکی از مهمترین و شاید بتوان گفت مهمترین علت نهضت کربلا و به قربانگاه رفتن پاره تن پیامبر خدا، جریان‌شناسی خواص است. خواصی که مسائل و حقایق را می‌دانستند، اما گاهی با سکوت خود، گاهی با کتمان خود، گاهی با تحریف و گاهی با مقابله، جریان حق را تنها گذاشتند و جامعه را فریب دادند.

جریان‌شناسی خواص و نقش آن در نهضت کربلا ابوالقاسم فاتحی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، همزمان با دهه اول ماه محرم به بازخوانی جامعه‌شناختی نهضت کربلا و نقش امام حسین(ع) در احیای اسلام نوپا پرداخته و در اختیار اینکنا قرار داده است که به صورت روزانه برای مخاطبان منتشر می‌شود. در ادامه بخش سوم از این سلسله یادداشت‌ها از نظر می‌گذرد.

همان‌گونه که در دو بخش پیشین گفته شد، نهضت کربلا حسینی تقدیری الهی، پدیده‌های سیاسی، تاریخی و جامعه‌شناختی است که یک شبه و ناگهانی اتفاق نیفتاد. ریشه‌ها و بسترهای آن را باید از لحظه رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که آن انحراف بزرگ رخ داد و نیز حوادث پس از آن تا روز عاشورا دانست. اما برخلاف انگیزه و خواست دستگاه اموی و یزید، آنچه که بنیامیه و دستگاه یزید میخواست با کشتن امام حسین علیه السلام در کربلا دفن شود و فاتحه اسلام ناب محمدی را برای همیشه خوانده شود اما امروزه بخوبی شاهد آن هستیم که برعکس آن اتفاق افتاده است.

امروزه عاشورا و نهضت کربلا، چهارچوب و مبنا و الگویی شده برای مبارزه تمامی مستضعفان و محرومان جهان و تمامی رزمندگان محور مقاومت و تمامی هسته‌های حزب الله در سراسر جهان و تمامی بسیجیان بی نام و نشان جوامع اسلامی در مبارزه با فرهنگ و تفکر و نظام سیاسی و هژمونی غرب به رهبری آمریکا در ایجاد نهضت کربلا علل و عوامل گوناگونی نقش دارد. یکی از مهمترین و شاید بتوان گفت مهمترین علت نهضت کربلا و به قربانگاه رفتن پاره تن پیامبر خدا، جریان‌شناسی خواص است. خواصی که مسائل و حقایق را می‌دانستند، اما گاهی با سکوت خود، گاهی با کتمان خود، گاهی با تحریف و گاهی با مقابله، جریان حق را تنها گذاشتند و جامعه را فریب دادند.

خواص قدرت طلب و شهرت خواه و ثروت اندوز و خواص استحال شده و پشیمان شده ای که ما در دوره ۴۵ ساله انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران نیز می‌بینیم. بنابراین آنچه در روز دهم محرم سال ۶۱ قمری در کربلا رخ داد یک حادثه نبود، یک اختلاف سیاسی درونی نبود؛ یک قدرت طلبی و فزونی خواهی برای کسب حکومت نبود؛ بلکه یک کنش سیاسی بود. کنشی انقلابی و جهادی مبتنی بر آگاهی، شناخت، ایفای وظیفه و رسالتی الهی و ضرورتی جامعه‌شناختی که توسط امام حسین به عنوان امام و رهبری معصوم و امام و پیشوایی که خود در متن جریان‌های سیاسی اسلام از ابتدا قرار داشت، رقم خورد تا ضمن حفظ اصل و اصالت دین جدشان، چراغ فروزانی برای جهادگران و مبارزان تاریخ پسا عاشورا تا قیام مهدی صاحب الزمان باشد.

کربلا یک فرهنگ احیاگر، یک معرفت‌بازاندیشانه در حقیقت دین محمدی، یک حرکت ساختارشکنانه و افشاگرانه بر علیه حاکمیت روز برای زدودن تحریف‌هایی بود که می‌رفت برای همیشه تاریخ دین پیامبر را از درون و از محتوا و از حقیقت تهی سازد و دین سرمایه داری اموی و فرهنگ جاهلی را جایگزین آن کند. اگر قیام امام حسین(ع) نبود، مکتب نوپای اسلام که جدشان پیامبر اکرم بنا نهاده بودند را گروهی قدرت طلب منسوب به مکتب جاهلیت پیشا اسلام با تحریف و استحال درونی دگرگون کرده بودند و فاتحه اسلام محمدی را برای همیشه خوانده بودند و اسلامی قشری، اسلامی مناسکی، اسلامی بدون روح و بدون پیام و سازندگی، اسلامی عاری از عدالت، عاری از مبارزه با ظلم و ستم را جایگزین کرده بودند.

در یادداشت امروز که سومین یادداشت است، نقش خواص در پدیده نهضت کربلا بررسی می‌شود. سخن را با حدیثی از امیرالمؤمنین علی(ع) شروع می‌کنیم که رهبری عزیز نیز از آن وام گرفته اند. «الإناس ثلاثة: عالم و متعلم علی سبیل نجات و همج رعاع؛» اصولاً ما سه دسته انسان داریم: انسان‌هایی دانشمند هستند؛ انسان‌هایی در طریق دانستن هستند؛ بقیه، همج رعاع هستند. همج رعاع یعنی انسان‌های سرگردان، بی ارزش و بی وزن. خواص در هر دوره، کسانی هستند که اصالت‌های جریان‌های سیاسی روز و حقانیت افراد و گروه‌های مرجع سیاسی را بخوبی می‌دانند. معمولاً خود مستقیم و یا با واسطه در جریان شکل‌گیری قدرت سیاسی روز جامعه و نظام حکمرانی سیاسی حال چه در جبهه موافق یا مخالف حضور و مشارکت داشته‌اند به عنوان نمونه از تاریخ معاصر ایران، جریان روشنفکر و تحصیلکرده ای که فروغی یکی از آنان بود و دور و بر رضا شاه، پهلوی اول بودند و او را بر سر مردم ایران مسلط کرد یکی از نمونه‌های خواص منفی است. جریان روشنفکر و مردان سیاسی

تحصیل کرده ای که از پشت به نهضت مشروطه خنجر زدند و سبب قدرت گرفتن و حکومت محمدرضا شاه شد نمونه دیگر از این خواص منفی ضد ملی است.

نمونه سوم، کسانی که از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا کنون با وجودی که از حقیقت خمینی، حقیقت انقلاب، حقیقت رهبری اطلاع و آگاهی و شناخت دارند و گاهی خود در شکل گیری آن نقش داشته اند اما به هنگام نیاز و به هنگام فتنه و به هنگام تهاجم دشمنان خارجی سکوت می کنند و کردند یا بی تفاوت شدند یا در جبهه مقابل نظام و انقلاب قرار گرفتند از دیگر مثال های خواص منفی و بد عاقبت هستند.

همچنین کسانی از چهره های مشهور سیاسی یا مذهبی یا اجتماعی که در طول سی و چند سال رهبری عزیز، با وجو اطلاع از حقیقت انقلاب و مظلومیت نظام و حقیقت و مظلومیت رهبری، اما راه و مسیر سکوت، بی تفاوتی، و همراهی با دشمنان نظام و انقلاب را در پیش گرفتند، همگی از خواص منفی قدرت طلب و ثروت اندوزی و استتال شده هستند؛ در جریان نهضت کربلا هم کم نبودند کسانی که حقیقت متعفن حکمرانی معاویه و یزید و نظام فاسد آنان را بخوبی می دانستند و در مقابل طهارت و حقانیت و اصالت، جریان امام حسین را بخوبی می دانستند اما این خواص با فریب مردم، با استتال حقیقت، با تحریف واقعیت ها، روز را شب و شب را روز جلوه دادند و مردم همج رعاع را که به دلیل نوع معیشت و سبک زندگی شان اصولاً فرصتی برای حضور مؤثر در جریانات سیاسی ندارند را به سمت جبهه دشمنان امام حسین سوق دادند. کاری که ما بخوبی در جریان فتنه و جنگ ترکیبی شهریور ۱۴۰۱ در ایران دیدیم.

خواصی از ورزشکاران، خواصی از روشنفکران، خواصی از سیاسیون، خواصی از اصحاب علم و دانش، خواصی از اصحاب رسانه، خواصی از اصحاب هنر و... که می دانستند حقیقت چیست و اصولاً با فرصت ها و امکاناتی که نظام و حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در اختیار آنان گذاشته بود، چهره شده بودند، مانند به اصطلاح سلبریتی ها یا در واقع شهرت طلب ها که شهوت دیده شدن داشتند، اما فهم دیدن حقیقت را از دست داده بودند و با تصور باطل خود که فاتحه نظام خوانده شده سر از پا نشناخته در دامن غرب غلتیدند و برخی از آنان اکنون به چه کنم، چه کنم که اول آوارگی آنان است، دچار شده اند.

در طول نهضت کربلا از زمانی که امام حسین (ع) حج را نیمه تمام رها کرد تا ظهر عاشورا یکی از راهبردهای روشنگرانه امام حسین(ع)، جهاد تبیین بود؛ یکی در سطح عامه مردم، اما بیشتر و مهم تر از آن جهاد تبیین برای خواص منفی استتال شده بود. ماجرای سخنرانی های امام در طول مسیر تا رسیدن به کربلا با سپاهیان یزید و ماجرای جهاد تبیین امام در شب عاشورا برای عمر سعد به عنوان چهره برجسته و خاصی که همه حقیقت و اصالت امام حسین و همه خباثت و رذالت دستگاه معاویه و یزید را می دانست، یکی از برجسته ترین نمونه های نقش خواص است که امام حسین کوشید تا با روشنگری های خود بلکه بتواند خواص فرو رفته در لجن سیاست اموی را نجات دهد اما نشد؛ نقش امثال عمر سعد در انحراف مردم و کشاندن پای آنان به کربلا نقش برجسته ای بود.

اگر خوب به محتوای سخنان امام حسین(ع) و اصحاب آن حضرت در ماجرای نهضت کربلا توجه کنیم درمی یابیم که مخاطبان اصلی این سخنرانی ها، گروه خواص هستند که اکنون در سپاه و جبهه باطل یزید قرار گرفته اند. مخاطب اصلی، هر یک از اصحاب و یاران امام حسین در روز عاشورا پیش از نبرد نابرابر نوعاً خواص اهل باطلی بود که در جبهه یزید قرار داشتند. اما درس ها و عبرت های عاشورای ۶۱ در عاشورای ۱۴۰۲ مردم ایران، اکنون قدرت رسانه ها اعم از واقعی و مجازی و رسانه های شبکه های اجتماعی و فضای مجازی و ماهواره ها و و قلم و سخن معدود دانشگاهیان و حوزویان و روشنفکران که حقیقت و اصالت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران و رهبری آن را در مبارزه با کفر جهانی و نفاق داخلی و هژمونی زر و زور و تزویر دنیای مدرنیته می دانند، اما راه سکوت یا تحریف یابی تفاوتی یا همراهی را در پیش گرفته اند. بی شک مهم ترین نقش را امروز در ایران اسلامی خواص دارند.